

بررسی تطبیقی اندیشه های تربیتی روسو و فروبل با تأکید بر تربیت اخلاقی

محمد غلامی پاچی

دانشجوی دکتری رشته علوم تربیتی، گرایش فلسفه تعلیم و تربیت، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

چکیده

در این مقاله اندیشه های تربیتی روسو و فروبل با تأکید بر تربیت اخلاقی مورد بررسی و مطالعه تطبیقی قرار گرفته است. جامعه آماری این مطالعه اندیشه های تربیتی اندیشمندان با تأکید بر تربیت اخلاقی و نمونه آماری اندیشه های تربیتی با تأکید بر تربیتی اخلاقی از دیدگاه روسو و فروبل می باشد. از میان روش های مطالعه تطبیقی، روش جرج بردی که شامل چهار مرحله توصیف، تفسیر، همجواری و مقایسه است، استفاده شده است. منبع گردآوری اطلاعات از طریق پایگاه های اینترنتی مثل سایت نورمگز، سیویلیکا، مگ ایران، SID و... بوده است. نتایج نشان داد که بین اندیشه های تربیتی این دو اندیشمند وجوه اشتراک خاصی است مبنی بر اینکه تربیت باید پیرو طبیعت و مراحل و قانون های آن باشد. ولی از مهمترین وجوه اختلاف دو صاحب نظر در زمینه تربیت اخلاقی این است که، روسو دستیابی به اهداف اخلاقی را در دوری از جامعه می داند، در حالی که از نظر فروبل دستیابی به چنین مقاصدی در درون جامعه (به خصوص خانواده) محقق می شود.

واژه های کلیدی: فروبل، روسو، اندیشه های تربیتی، تربیت اخلاق

مقدمه

در دنیای پیچیده امروز هیچکس بی نیاز از تعلیم و تربیت نیست، امروز فعالیت در مدرسه و آموختن، خود بخش عظیمی از زندگی انسان هاست. اگر معلمان با اصول و مبانی و هدف های تعلیم و تربیت، ویژگی های دانش آموزان و نیازهای آنها آشنایی نداشته باشند، هرگز قادر نیستند به عنوان سازندگان جامعه ایفای نقش کنند. آنچه در فرایند تعلیم و تربیت به معلم انتقال می یابد تنها معلومات و مهارت های معلّم نیست بلکه تمام صفات، خلیات، حالات نفسانی و رفتار ظاهری او نیز به شاگردان منتقل می شود. اهتمام به اخلاق در مدارس غیرممکن نیست اما دشوار است (لئون، ترجمه کاردان، ۱۳۹۵).

در حوزه تعلیم و تربیت یکی از مهمترین، تأثیرگذارترین و در عین حال، دشوارترین مباحث، تربیت اخلاقی است. به همین جهت پرداختن به مباحث مربوط به اخلاق و به تبع آن تربیت اخلاقی از جایگاه رفیعی برخوردار است. به عبارت دیگر، سازندگی درونی انسان و اصلاح و تهذیب نفس او در سعادت فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی او نقش بسزایی دارد، به طوری که اگر انسان تمامی علوم را تحصی کند و کلیه نیروهای طبیعت را به تسخیر خویش در آورد، اما از تسخیر درون و تسلط بر نفس خود ناتوان باشد، از رسیدن به سعادت و نیل به کمال باز می ماند. تمامی پیشرفت های علمی و صنعتی در صورتی که با اصلاح درون انسان همراه نباشد، کاخ های سر به فلک کشیده ای را می مانند که بر فراز قله آتشفشان بنا شده باشد. از این رو، تربیت اخلاقی انسان و «انسان سازی» برای هر جامعه ای امری حیاتی است. با وجود این، نگاهی به اوضاع جوامع بشری نشان می دهد آنچه قبل از همه به دست فراموشی سپرده شده، تربیت اخلاقی انسان است (سعادت، ۱۳۹۴).

تربیت اخلاقی به دنبال فهم معنوی زندگی و احساس اخلاقی در حیات است؛ تا انسان را در گرفتاری های زندگی یاری کند. در واقع، تربیت و بالاخص تربیت اخلاقی از آن رو ارزشمند است که شخص واجد آن فضایل، کامل و سعادت مند به شمار می رود. با چشم پوشی از بعد دینی اخلاق، فضائل اخلاقی از ضروریات حیاتی جامعه سعادت مند و با فضیلت است (عرسان کیلانی، ترجمه رفیعی، ۱۳۹۶).

در مجموع می توان اذعان داشت که تربیت اخلاقی در فرهنگ خانواده شکل گرفته و ادامه می یابد و پس از آن، در فرهنگ آموزشی و برنامه های درسی در مؤسسه های تربیتی، کامل می شود. نقش و اهمیت برنامه های درسی در رشد تربیت اخلاقی بسیار حساس است و فقدان برنامه ریزی کارآمد، رشد تربیت اخلاقی در بین نوجوانان و جوانان را با چالش مواجه می کند. محیط تربیتی سالم و کار آمد و به ویژه نقش مربیان که ناظر تربیت اخلاقی نوجوانان و جوانان هستند، در نحوه تحقق این هدف، بسیار نقش دارند. هدف از این مطالعه، اندیشه های تربیتی با تأکید بر تربیت اخلاقی از دیدگاه نمایندگان برجسته آنها یعنی ژان ژاک روسو و فردریک فروبل، به مقابله بکشیم تا مفهوم تربیت اخلاقی بیشتر و بهتر مشخص شود و از این طریق دریابیم که در عصر حاضر، در زمینه تربیت اخلاقی، با مشخص کردن نقاط قوت و ضعف هر دو دیدگاه، کدام یک می تواند بیشتر کمک کند.

روش پژوهش

روش استفاده شده در این مطالعه الگوی جرج زی.اف. بردی لهستانی است. بر اساس این الگو، اطلاعات در چهار مرحله مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. این مراحل شامل توصیف، تفسیر، همجوارسازی و مقایسه است (آقاجازاده، ۱۳۸۱). در مرحله توصیف، محقق باید به توصیف موضوع تحقیق براساس شواهد و اطلاعاتی بپردازد که از منابع مختلف یا مشاهده مستقیم و مطالعه اسناد و گزارش های دیگران بدست می آورد. در مرحله تفسیر، که شامل واریسی و تفسیر اطلاعاتی است که پژوهشگر

در مرحله اول به توصیف آن پرداخته، این اطلاعات بررسی و تفسیر شده است. در مرحله همجواری، بر اساس بدست آمده در مراحل اول و دوم، طبقه بندی لازم انجام گرفته و اطلاعات به گونه ای در کنار یکدیگر قرار گرفته است که چهارچوبی را برای مرحله نهایی فراهم کند، و در نهایت در مرحله مقایسه، مسأله تحقیق در زمینه شباهتها و تفاوتها بررسی و مقایسه شده است (کشاورز و همکاران، ۱۳۹۵). اطلاعات این مطالعه از طریق پایگاه های اینترنتی مختلف از جمله سایت نورمگز، سیویلیکا، مگ ایران، SID و غیره جمع آوری شدند.

مبانی نظری

مفهوم تربیت و فعل تربیتی

تربیت از ریشه ربو گرفته شده است، و از باب تفعیل است. در این ریشه، معنای زیادت و فزونی لحاظ شده است؛ بنابراین، واژه تربیت با توجه به ریشه آن، به معنای فراهم کردن زمینه فزونی پرورش است. معادل آن (Education) دارای دو ریشه است به این شرح (Educare) که به معنای «تغذیه» یا خوراک دادن است و (Educere) که به معنای «بیرون کشیدن»، «رهنمون به» و «پروراندن» است. بدین ترتیب ریشه دو واژه (Education) و «تربیت» معنایی کمابیش یکسان دارند. از تاریخچه معانی این دو واژه و تطور مفهومی آنها که بگذریم، اکنون Education دارای چهار معنای عمده است. برخی از این معانی، در زبان فارسی کاربرد نداشته است، اما به تبع ترجمه کتابها، در زبان فارسی کاربردی پیدا کرده است و بار معنای تازه ای بر آن افزوده شده است. این چهار معنای عمده عبارتند از:

۱. تربیت به معنی مؤسسه و نهاد آموزشی؛
۲. تربیت به معنای محتوا و برنامه آموزشی؛
۳. تربیت به معنای عمل و جریانی که در حیات انسانی به چشم می خورد؛
۴. تربیت به معنای محصول و نتیجه تربیت.

تربیت به معنای سوم، فرایندی پیچیده دارد و دارای جنبه های گوناگونی است. در واقع، معانی دیگر به یکی از این جنبه ها اشاره دارد. بدین سبب، این معنای تربیت بیشتر محل نقد و نظر بوده است. فلاسفه و متفکران زیادی در تاریخ اندیشه در این باره به طور صریح یا ضمنی اظهار نظر کرده اند؛ به ویژه با ورود علوم تربیتی به دانشگاه ها، اظهار نظرها درباره مفهوم تربیت رو به فزونی گذاشت. کتاب های زیادی برای تدریس در دانشگاه ها تدوین و تالیف گردید که عمدتاً با بحث درباره «تربیت» آغاز می شود. شیوه معمول مؤلفان چنین است که تعریف صاحب نظران را درباره تربیت بیان کنند. آنگاه با نقد و بررسی آن، تعریفی که با بینش های از پیش ساخته و پرداخته مؤلف، هماهنگی دارد، مطرح می گردد. شیوه دیگری که مؤلفان و عالمان، برای تفسیر تربیت در پیش گرفته اند این است که تربیت را مجموعه اعمالی در نظر می گیرند و با نظر به عناصر موجود در آنها و انواع مناسبات و تعامل های بین عناصر، تلاش می کنند آنها را تبیین کنند (نوذری، ۱۳۷۵).

این رویکرد تا کنون موفق شده است که بعضی از مناسبات و روابط بین عناصر را که گریزی از پذیرش آنها نیست نشان دهد، و مهمترین مشخصه آن این است که محتوای هیچ مکتب خاصی را همراه ندارد. بطور کلی، تربیت فرایندی بسیار گسترده است و گستره آن به تمامی ابعاد، توانائی ها، قابلیت ها و به همه شئون وجودی آدمی گسترانده شده و تمامی زمینه های وجود آدمی را در بر می گیرد اما فرایند اخلاق یکی از حیطة ها و ساحت های تربیت به شمار می آید. از این رو می توان گفت تربیت اقسام فراوانی دارد و از آن جمله: تربیت بدنی، تربیت عقلانی، تربیت دینی، تربیت اخلاقی، تربیت جنسی، تربیت

عاطفی، تربیت عاطفی تربیت عرفانی، تربیت مدنی، تربیت اجتماعی و ... استاد مطهری در این باره می نویسد: تربیت پرورش دادن و به فعلیت رساندن تمامی استعدادها و ایجاد تعادل در هماهنگی میان آنهاست تا از این طریق مرتبی به حد اخلاقی کمال برسد (مطهری، ۱۳۹۶). و به تعبیر یکی از نویسندگان غربی، تربیت در زمینه جسم و جان و روان انسان است و تمامی زمینه های وجود او را در بر می گیرد (حجتی، ۱۳۹۵).

به گفته برخی از صاحب نظران، تعلیم و تربیت طی قرون متمادی تنها بر ملاحظات فلسفی و اخلاقی مبتنی بوده، امروزه نیز به رغم تسلط دانش بشر در زمینه های زیست شناسی، جامعه شناسی و روانشناسی بر تعلیم و تربیت، باز این نکته آشکارتر شده که علم و دستاورد های فنی آن نه تنها کافی نیست بلکه همچنان باید ملاحظات اخلاقی و فلسفی مهم اصلی را در تعلیم و تربیت بر عهده داشت باشد زیرا بررسی اهداف و غایات تربیت نه در صلاحیت علم و نه در حد تکنیک بلکه فقط در صلاحیت فلسفه و اخلاق است (شکوهی، ۱۳۹۴).

بر این اساس می توان گفت تربیت فرایندی است که با آموزه ها و یافته ها و با علوم بسیاری از جمله: زیست شناسی، روانشناسی روانشناسی تربیتی، روانشناسی اجتماعی، جامعه شناسی، جامعه شناسی تربیتی، دین و فلسفه، اخلاق و ... سر و کار دارد و مبانی علمی، فلسفی و دینی خود را از یافته ها و آموزه ها به دست می آورد و ملاحظات اخلاقی یکی از مبانی تربیت به شمار می آید که با توجه به آنها تربیت شکل می پذیرد بدین تربیت می توان جایگاه فرایند تربیت را در ارتباط با فرایند اخلاق به دست آورد و تفاوت این دو را واکاوید. فرایند تربیت با تمامی رفتار آدمی در همه ساحت و زمینه ها و با تمام اقسام و انواع آن خواه صعبه ارزشی داشته باشد و یا نه ارتباط وثیق و عمیق دارد. در صورتی که فرایند اخلاق با رفتار آگاهانه ای که از سر علم و عمد و انتخاب و گزینش انجام می پذیرد و صبغه ارزشی دارد و نیز با ملکات و صفات پایداری که تکرار آن رفتار ویژه موجب پیدایش آنها شده سر و کار دارد (کاظمی و بهرامی، ۱۳۹۱).

تعریف لغوی و اصطلاحی اخلاق

اخلاق، واژه ای عربی است که از خُلُق مشتق شده است و معنای آن را سرشت و سجیه دانسته اند، چه این رفتار و سجیه، پسندیده و نکو باشد و چه ناپسند و ردیلانه. در زبان انگلیسی هم از اخلاق، با دو واژه Ethics و Morality تعبیر می شود و گاه فرقی بین این دو واژه و کاربردهایی آن ها در متون و محاورات عرفی و اصطلاحی در نظر گرفته می شود. واژه Ethics به معنای اخلاق و از واژه یونانی Ethiko به معنای شخص گرفته شده و با واژه Ethos به معنای خلق و منش مرتبط و هم معنا است و گاه به معنای عرف و عادت (Custom) یا (Usag) کاربرد و کارکرد ترجمه و استعمال می شود. واژه Morality نیز از واژه لاتین Moralize گرفته شده و با افعالی که بدون لحاظ ویژگی ها و شخصیت فردی درست یا نادرست اند مرتبط است (حسینی، ۱۳۸۵).

مفهوم شناسی تربیت اخلاقی

مقصود از تربیت اخلاقی تنها به معنای به کارگیری شیوه ها و روش های تربیتی اعم از خود سازی و یا تربیت افراد نیست. زیرا در فرایند اخلاق نیز شیوه تخلق به اخلاق سخن به میان می آید اما آنچه درباره ماهیت و تعریف تربیت اخلاقی می توان گفت این است که تربیت اخلاقی یکی از اقسام تربیت است و به حوزه و قلمرو خاصی از تربیت مربوط است یکی از اقسام

تربیت است و به حوزه و قلمرو خاصی از تربیت مربوط است نظیر تربیت اجتماعی، تربیت سیاسی، تربیت جنسی و ... از این رو تربیت اخلاقی در حیطه تربیت قرار دارد و از حوزه اخلاق خارج است (کاظمی و بهرامی، ۱۳۹۱).

تربیت اخلاقی، برانگیختن، فراهم ساختن و بکار بستن ساز و کارهای آموزشی و پرورشی در جهت دریافت گزاره های اخلاقی و شناختن و شناساندن فضایل و رذایل و زمینه سازی برای ایجاد نگرش و روی آوردن به اخلاق حسنه و تقلید و پای بندی و عینیت دادن ارزش های اخلاقی به منظور رسیدن به سعادت و کمال جاودانه تربیت اخلاقی نام دارد. بر این اساس، رسیدن به سعادت و کمال جاودانه تربیت اخلاقی نام دارد. در تربیت اخلاقی تلاش می شود با بهره گیری از دانش تعلیم و تربیت و یافته های تربیت اهداف اخلاقی را عینیت بخشید (بهشتی، ۱۳۸۸).

ارکان این تعریف عبارت است از: ۱. انگیزش در جهت احساس نیاز نسبت به مسائل اخلاقی و تخلق به اخلاق حسنه. ۲. آموزش آموزه های اخلاقی و شناخت فضایل و رذایل. ۳. التزام، پای بندی و تقید به اخلاق حسنه و اعتقاد به پیراسته سازی دل و جان از اخلاق بد. ۴. توانایی در جهت عمل کردن اخلاق خوب و توانایی بر مهار خود از اخلاق بد. ۵. جهت گیری بر پایه رسیدن به سعادت و کمال جاودانه (کاظمی و بهرامی، ۱۳۹۱).

جدول ۱. توصیف تربیت اخلاقی

تربیت از ریشه ربو گرفته شده است، و از باب تفعیل است. در این ریشه، معنای زیادت و فزونی لحاظ شده است؛ بنابراین، واژه تربیت با توجه به ریشه آن، به معنای فراهم کردن زمینه فزونی پرورش است. معادل آن ((Education)) دارای دو ریشه است به این شرح ((Educare)) که به معنای «تغذیه» یا خوراک دادن است و ((Educere)) که به معنای «بیرون کشیدن»، «رهنمون به» و «پروراندن» است.	تعریف لغوی تربیت
واژه Ethics به معنای اخلاق و از واژه یونانی Ethiko به معنای شخص گرفته شده و با واژه Ethos به معنای خلق و منش مرتبط و هم معنا است و گاه به معنای عرف و عادت (Custom) یا کاربرد (Usag) و کارکرد ترجمه و استعمال می شود.	تعریف لغوی اخلاق
پرورش دادن و به فعلیت رساندن تمامی استعدادها و ایجاد تعادل در هماهنگی میان آنهاست تا از این طریق متربی به حد اخلاقی کمال برسد.	تعریف اصطلاحی تربیت
فراهم ساختن و بکار بستن ساز و کارهای آموزشی و پرورشی در جهت دریافت گزاره های اخلاقی و شناختن و شناساندن فضایل و رذایل و زمینه سازی برای ایجاد نگرش و روی آوردن به اخلاق حسنه و تقلید و پای بندی و عینیت دادن ارزش های اخلاقی به منظور رسیدن به سعادت و کمال جاودانه تربیت اخلاقی نام دارد.	تعریف تربیت اخلاقی

اهداف تربیت از نظر روسو

از نظر روسو، کودک به طور طبیعی و ذاتی نیک است و از توانایی خود کنترلی برخوردار است. به این علت روسو توصیه می کند طبیعت را ملاحظه کنید و از راهی که طبیعت برای شما مشخص کرده تبعیت کنید. از نظر روسو بازگشت به طبیعت به معنای فراهم آوردن موقعیت برای تکامل انسان است، وی بر این عقیده است که بشر در طبیعت با صلح و صفا زندگی می کرد

و از قید و بند آزاد بود، بدنش نیرومند بود؛ زیرا با وسایل جدید نحیف نشده بود. او هرگز کسل نمی شود و نیازی به تفریحات مصنوعی ندارد. او با خویشتن و طبیعت در آرامش و صلح به سر می برد از نظر روسو انسان ذاتاً خوب بود ولی جامعه را فاسد می دانست و راه دوری از آن را پیروی از طبیعت می دانست. بنابراین از دیدگاه روسو انطباق و هماهنگی کامل با طبیعت هدف بزرگ تربیت مطرح گردیده است. روسو اهداف دیگری را نیز برای تربیت بیان کرده است، از جمله رشد قوای جسمانی که لازمه قوت روح است و هر قدر بدن ضعیفتر باشد بیشتر به روح فرمان می دهد و هر چه قویتر باشد از روح بیشتر فرمانبرداری می کند (روسو، زیرک زاده، ۱۳۸۸). روسو رشد قدرت تفکر و اندیشدن را از جمله اهداف تربیت می داند. وی چنین اظهار می دارد: «آنچه که متربی می داند باید به واسطه آن باشد که خودش به دست آورده نه آن که شما به او گفته-اید. به او یاد ندهید بلکه بگذارید با کشف کردن به آن برسد در صورتی که نفوذ کلام خود را جانشین تعقل در ذهن او بسازید، استدلال و تعقل را متوقف خواهید ساخت. همچنین او عقیده دارد فرد باید قبل از ورود به جامعه شیوه ارتباط اجتماعی مناسب را فرا گیرد. بنابراین روسو رعایت حقوق دیگران را از اهداف دیگر تربیت برشمرده و توصیه شاگردتان را در حد توانش مشغول انجام اعمال خوب قرار دهید و بگذارید که می کند مردم فقیر و محتاج را از خدمتش بهره مند سازد» (راموز و شریف زادگان، ۱۳۹۸).

تربیت اخلاقی از نظر روسو

روسو (۱۳۹۳) در کتاب امیل تربیت اخلاقی را پرورش و تقویت فضائل و جلوگیری از شکل گیری رذایل اخلاقی با محوریت طبیعت تعریف می کند. از دیدگاه روسو تربیت اخلاقی آنگونه تربیتی است که انسان را آزاد بپرورد و طبیعت اخلاق منشانه او را نابود نگرداند. نگاه روسو به انسان یک نگاه طبیعت مدار است. روسو معتقد است آدمی از حیث طبیعت موجودی اخلاقی است و اگر چنانچه حرکتی به سوی صفات و رفتارهای غیراخلاقی دارد با تمسک به تربیت منفی می توان او را از این معضلات رهایی بخشید. از نظر روسو هدف عالیه تعلیم و تربیت باید رساندن انسان به درجات بالای اخلاق باشد. از نظر او، برترین جنبه انسان که او را از دیگر جانوران متمایز می کند، وجدان اخلاقی یعنی توانایی تشخیص نیک از شر و گرایش به نیکی است. انسان پاک و نیک است. وجدان انسان ندایی آسمانی دارد و داور نیکی و بدی است. اعتقادات روسو در زمینه پرور اخلاقی افراد، ناشی از این امر است که وی اعتقاد دارد که انسان قادر است غرایز را انتخاب کند (حسینی و صفدریان، ۱۳۹۲).

به عقیده روسو، دو گزینه اصلی؛ یعنی صیانت نفس و گزینه دوستی یا دیگرخواهی در طبیعت بشر وجود دارد. انسان اصالتاً خوب و همدل است و دارای وجدانی است که او را به داوری درباره درستی و نادرستی چیزها قادر می سازد. از نظر روسو، درحالی که غرایز اولیه باعث اتحاد و یگانگی انسانها می شوند، عقل آنها را از هم جدا می کند. از همین رو وجدان و عقل در کنار هم می توانند تمایلات انسان را محدود نمایند. از سوی، روسو معتقد است جامعه انسان را به بند و فساد خواهد کشید. هرچه که از دست خالق عالم جل شانہ بیرون می آید از عیب و نقص مبراست. ولی به محض اینکه به دست اولاد آدم رسید فاسد می شود (روسو، ترجمه زیرک زاده، ۱۳۸۸).

از این رو، روسو یک نگاه بدبینانه نسبت به جامعه داشت و معتقد بود که جامعه انسان را به تباهی می کشد و او را به شکلی تربیت می کند که در بزرگسالی می تواند یک موجود ترسناک باشد. او معتقد است که طبیعت انسان را نیک پدید آورده، ولی این جامعه است که او را شریر تربیت می کند. طبیعت انسان را آزاد آفریده، ولی جامعه او را بنده گردانیده است، طبیعت انسان را خوشبخت آفریده ولی جامعه او را بدبخت و بیچاره نموده است (شاوارده، ترجمه قاسمی، ۱۳۹۴).

از جهتی دیگر، روسو بودن فرد در جامعه سالم را ضروری می‌داند و بیان می‌دارد که: به محض اینکه طفل شروع به تعقل و استدلال نمود باید مواردی را که ممکن است خود را با کودکان دیگر مقایسه کند از وی دور داشت. زیرا از این مقایسه غیر از خودپسندی و حسد چیزی عاید او نمی‌شود، چون کودک باید در جامعه زندگی بکند، لازم است روابط اجتماعی را مطالعه نماید (روسو، ترجمه زیرک زاده، ۱۳۸۸).

از نظر روسو انسانها در حوزه اخلاق به وسیله سه استاد تربیت می‌شوند: طبیعت، مردم و اشیا. رشد و نمو قوای اخلاقی انسان از سوی طبیعت اولین استاد است؛ این که یاد می‌گیرد آنها را مورد استفاده قرار دهد. تربیت اخلاقی به وسیله مردم یا از سوی مردم دومین استاد بوده و آنچه با تجربه خود از محیط به دست می‌آورد تربیت اشیا یا به وسیله اشیا است. بنابراین شاگردی که این سه درس در وی تأثیرات منفی به جا گذارد خوب تربیت نشده است و هرگز بین روحیه او و رفتار توافقی و هماهنگی به وجود نمی‌آید (امیدی و همکاران، ۱۳۹۶).

آراء تربیتی فروبل

فروبل مانند روسو معتقد به پاکی سرشت انسان است. تربیت کمک به تحقق استعدادهای کودک است. معلم مانند باغبانی است که شرایط را مساعد و عوامل مزاحم را دور می‌کند. دوران کودکی دوران رشد بدنی و ظهور سائق هاست. دوران بلوغ دوران بردن عالم بیرونی به عالم درون است و آثار آن به صورت میل به آموختن دانش و کنجکاوی ظاهر می‌شود. دوران بزرگسالی، دوران هماهنگ ساختن نهایی عالم درونی و بیرونی و وحدت بخشیدن به آموخته‌ها و درک و فهم و خردمندی است (کاردان، ۱۳۹۱).

فروبل بر آن است که هم چگونگی و هم مقصد تربیت را باید از بررسی چگونگی و مقصد تحول انسان شناخت. اما تحول انسان با تحول دانستگی او همراه است و کمال آن در آگاهی وی از حقیقت خویش است و کسی که به این آگاهی دست یابد تربیت کننده خود خواهد بود. آگاهی دارای دو مرحله است: نخست آگاهی به چیزهای بیرونی که اطراف کودک را فرا گرفته اند و دوم آگاهی به خود، و هدف تربیت رسیدن به خودآگاهی است (نقیب زاده، ۱۳۸۹).

نخستین کار مربی باید گسترش روابط کودک با محیط باشد. تربیت درست آن است که از درون آغاز شود و بدترین نوع تربیت، تربیت تحمیلی است. نخستین ادراکات از راه حواس وارد ذهن می‌شوند و دارای ارزش نمادی هستند. نخستین صورت دایره است که هیات محسوس آن توپ است و صورت دوم مکعب است. این دو صورت ضد یکدیگرند زیرا دایره نماینده حرکت (کثرت در وحدت) و مکعب نماینده سکون (وحدت در کثرت) است. دایره نسبت به مکعب مانند احساسات است نسبت به عقل. این (احساس و عقل) از اول در روح کودک وجود داشته است پس باید با هم به او عرضه شوند. به نظر فروبل زندگی کودک بر دو فعالیت یعنی بازی و سخن گفتن متمرکز است و از این راه کودک جهان درونی خود را در بیرون تحقق می‌بخشد (کاردان، ۱۳۹۱).

اهداف تربیتی فروبل

فروبل اولین بنیانگذار مهد کودک (به نام باغ کودکان) بود. نظرات تربیتی مهم فروبل به شرح زیر است: فروبل معتقد بود که: "تعلیم و تربیت باید شخصیت کودک را پرورش دهد و اساسا این رشد باید خودجوش باشد." فروبل برنامه‌های کودکانستان خود را طوری سازمان داد که کودک را به طور خودجوش به فعالیت وامی‌داشت. حرکت، بازی، شعر، شناخت رنگها، داستان

و انواع فعالیت‌های مختلف، اساس کار کودکان وی بود. وی سه نوع مواد ویژه در آموزش به کار می‌گرفت: شعرهای کودکانه، اسباب بازی و سرگرمی. اسباب بازی و سرگرمی، فعالیت‌های جسمی کودکان را به کار می‌گرفتند. اسباب بازی‌ها در آن زمان به شکل‌های مختلف ساخته می‌شدند. سرگرمی‌ها هم از موادی بودند که قابلیت شکل‌پذیری داشته باشد؛ مانند گل رس، شن و مقوا. فروبل روی داستان هم بسیار تاکید داشت. پس از این که معلم داستان را نقل می‌کرد، اثر آن در بیان کودک، در شعرهایش و در بازی‌های او نمایان می‌شد. فعالیت‌های مختلف عملی فروبل در آموزش، موجب توجه فراوان به آموزش عملی شد. به عقیده فروبل، کار و نقش مربی تنها راهنمایی و هدایت شاگردان بود. وی عقیده داشت که در ذات هر موجودی، غایتی نهفته که با او آفریده شده است؛ ولی این مقصود با تعلیم و تربیت تحقق می‌یابد. تربیت نیز یک مقصد دارد و آن پروردن طبیعت حقیقی و خدایی انسان و نمایان کردن جنبه‌های ابدی و بی‌پایان او است (شاتو، ترجمه شکوهی، ۱۳۹۵).

رویکرد فروبل به آموزش کودکان، مبتنی بر موجودیت مستقل و خاص دوران کودکی است؛ او به کودکان به عنوان بزرگسالان کوچک نگاه نمی‌کرد. فروبل کودکان را دارای روحيات، قابليات و نیازهای خاصی می‌دانست که باید به فراخور آنها آموزشی متناسب و منطبق با نیاز کودکان طراحی کرد. این دیدگاه منحصر به فرد نسبت به موجودیت دوران کودکی، او را به یکی از شاخص‌ترین چهره‌ها در زمینه‌شناساندن خصائص دوران کودکی در تاریخ آموزش تبدیل کرد (گاتک^۱، ۲۰۰۵).

تربیت اخلاقی فروبل

به نظر فروبل، تربیت بسته به یگانگی خانواده است. مهمترین فضیلت برای مادر نجابت است، در حالی که وظیفه پدر راهنمایی خردمندان است. چنین خانواده‌ای بهترین جا برای پیشرفت بشر است. وظیفه مربی این است که والدین را به سوی فضیلت راهنمایی کند. قانون‌های اخلاقی مطلق و فهم بشر محدود است. فروبل به یک وحدت اصولی معتقد است. خردمند نیکوکار است زیرا فضیلت و دانش یکی هستند. تربیت اخلاقی با معاشرت تقویت می‌شود. پس کودکان باید در محیطی سالم و بدون خطر بار آیند (مایر، ترجمه فیاض، ۱۳۹۳).

جدول ۲. تفسیر تربیت اخلاقی از منظر روسو و فروبل

فروبل	روسو
تربیت	
- تربیت به تحقق استعدادهای کودک کمک می‌کند.	- کودک به طور طبیعی و ذاتی نیک است.
- کمال انسان در آگاهی وی از حقیقت خویش است.	- انطباق و هماهنگی کامل با طبیعت هدف بزرگ تربیت است.
- آگاهی دارای دو مرحله است: بیرونی و درونی.	- رشد قوای جسمانی که لازمه قوت روح است.
- نخستین کار مربی باید گسترش روابط کودک با محیط است.	- رشد قدرت تفکر و اندیشیدن را از جمله اهداف تربیت می‌داند.

^۱. Gutek

-فرد باید قبل از ورود به جامعه شیوه ارتباط اجتماعی مناسب را فرا گیرد.	-بدترین نوع تربیت، تربیت تحمیلی است. زندگی کودک بر دو فعالیت یعنی بازی و سخن گفتن متمرکز است.
تربیت اخلاقی	
-پرورش و تقویت فضائل و جلوگیری از شکل گیری رذایل اخلاقی با محوریت طبیعت.	-تربیت اخلاقی بسته به یگانگی خانواده است.
- هدف عالیّه تعلیم و تربیت باید رساندن انسان به درجات بالای اخلاق باشد.	-وظیفه مربی، والدین را به سوی فضیلت راهنمایی کند.
-وجدان اخلاقی، برترین جنبه انسان که او را از دیگر جانوران متمایز می کند.	-قانون های اخلاقی مطلق و فهم بشر محدود است.
-جامعه انسان را شریر تربیت می کند.	-خردمند نیکوکار است؛ زیرا فضیلت و دانش یکی هستند.
-انسان باید روابط اجتماعی را مطالعه نماید (در جامعه زندگی کند).	-تربیت اخلاقی با معاشرت تقویت می شود.
-انسانها در حوزه اخلاق به وسیله سه استاد تربیت می شوند: طبیعت، مردم و اشیا.	کودکان باید در محیط سالم خانواده تربیت شوند.

هدف غایی تربیت اخلاقی روسو

انطباق و هماهنگی کامل با طبیعت هدف غایی تربیت اخلاقی روسو است. از نظر او، طبیعت کودک به طور ذاتی، نیک است. بدین علت، روسو توصیه می کند که طبیعت را ملاحظه کنید و راهی را که طبیعت برای شما مشخص کرده است دنبال نمایید. لذا میبینیم در نظر روسو بازگشت به طبیعت، به معنای برگشتن به یک حالت حیوانی نیست، بلکه به معنای دادن یک موقعیت به انسان، به منظور متکامل ساختن خود به طور کامل و هماهنگ می باشد. لذا سعادت را فقط از طریق حفظ و نگهداری تمایلات در محدودی تعیین شده به وسیله طبیعت می توان به دست آورد (روسو، ترجمه زیرک زاده، ۱۳۸۸).

اهداف واسطه ای تربیت اخلاقی روسو

۱. محافظت از نفس

یکی از مواردی که روسو برای هماهنگی و همسویی با طبیعت آدمی به آن اشاره می کند. حفظ نفس در مواجهه با موقعیت های طبیعی است. او معتقد است که « انسان باید در حفظ سلامت نفس خود کوشا باشد. می بایست از موقعیتهایی که وظایف مان را در مقابل با منافع مان قرار می دهد و سودمان را در زیان دیگری می داند، بپرهیزیم، زیرا به رغم عشق صادقانه ای که به تقوا داریم، به یقین در چنین موقعیت هایی دیر یا زود، بی آنکه خود بدان پی ببریم، تاب مقاومت از دست میدهم و در عم بی انصاف و بد خواه میشویم در حالی که باطناً همچنان نهضت و مهربان بر جا مانده ایم (روسو، ترجمه زیرک زاده، ۱۳۸۸).

۲. اعتدال

یکی از هدف های مهم در اندیشه روسو این است که افراد همواره حد تواضع و اعتدال را حفظ نمایند. چه در حال رسیدن به درجات عالی علم، و چه در حال رسیدن به ثروت و مقام که این خود (تواضع) باعث حفظ آنها خواهد شد. به همین جهت روسو بر این عقیده است که، در صورت کسب فضائل اخلاقی انسان باید در رفتار و کردار خود معتدل تر باشد. اگر روزی به واسطه کسب فضائل و کمالات، لایق این شدی که برای مردم سخن بگوئی، با آنها طوری حرف بزنی، که وجدانت به تو دستور می دهد و ابدا به فکر این نباش که با سخن گفتن تو آنها تو را مورد تمجید قرار دهند. همچنین در کسب دانش نباید افراط ورزید که موجب بی عقیدگی می شود، و اینکه فیلسوفان متکبر و خود پسند اغلب متعصب می شوند. شخصی که به دنبال دانش است باید از افراط و تفریط دوری کند. روسو اعتدال را بهترین عامل در حفظ فرد از خطرات روزگار می داند و معتقد است که، برای اینکه آدمی به جایی برسد، برای اینکه همیشه یک جور باشد، باید کردار او مطابق گفتار باشد (روسو، ۱۳۹۳).

۳. تحقق آزادی

یکی از اهداف تربیت اخلاقی روسو آزادی است. از نظر روسو انسان آزاد آفریده شده او معتقد است که طبیعت انسان را نیک پدید آورده، ولی این جامعه است که او را شریر تربیت می کند. طبیعت انسان را آزاد آفریده، ولی جامعه او را بنده گردانیده است، طبیعت انسان را خوشبخت آفریده ولی جامعه او را بدبخت و بیچاره نموده است. روسو در اهمیت آزاد بودن انسان از نظر اراده و نفس معتقد است، فردی که از آزادی اراده و نفس برخوردار است می تواند از نظر اخلاقی رشد کند و به درجات بالای اخلاقی دست یابد. جامعه می خواهد انسان را گرفتار آلودگی های اخلاقی کند، اما آن کس که آزاده باشد میتواند خود را از بند جامعه آزاد سازد (روسو، ترجمه زیرک زاده، ۱۳۸۸).

۴. نوع دوستی و دگرخواهی

نوع دوستی از جمله ویژگی ها و صفاتی است که انسان را از تنگ نظری و حصار خود محوری خارج ساخته، موجب می شود تا در برابر دیگران، از خود ایثار، فداکاری و گذشت نشان دهد و با آنها پیوند صمیمانه برقرار کند (کاپوانی و موسوی، ۱۳۸۹). به عقیده روسو دو گزینه اصلی؛ یعنی صیانت نفس و گزینه نوع دوستی یا دگرخواهی در طبیعت بشر وجود دارد. انسان اصالتاً خوب و همدل است و دارای وجدانی است که او را به داوری درباره درستی و نادرستی چیزها قادر می سازد. از نظر روسو، در حالی که غرایز اولیه باعث اتحاد و یگانگی انسانها می شوند، عق آنها را از هم جدا می کند. از همین رو وجدان و عقل در کنار هم می توانند تمایلات انسان را محدود نمایند. روسو در بخشی از کتاب امیل در مورد محبت و نوع دوستی می گوید: «سوفی بهترین عبادتها را اخلاق نیک و کردار نیک می داند و تمام عمر خود را وقف خدمت به مخلوقات می نماید تا خالق از او راضی باشد». او معتقد است، هر آدم میهن پرست نسبت به بیگانگان سخت گیر است، زیرا در نظر او خارجی ها موجود زنده ای بیش نیستند و هیچ ارزشی ندارند. این نقص اجتناب ناپذیر است ولی زیاد مهم نیست، آنچه اهمیت دارد این است که، انسان نسبت به کسانی که با آنها مراد دارد خو رفتار و مهربان باشد (روسو، ترجمه زیرک زاده، ۱۳۸۸).

دیدگاه فروبل در زمینه تربیت اخلاقی

به عقیده فروبل، رابطه بین خالق و مخلوق فقط اعمال نیک است و این باید هدف همیشگی هر نوع آموزش و پرورش باشد. به نظر فروبل تعبیر اخلاقی تربیت، راه سودمند زندگی است. او بر نهضت فرهنگی - اخلاقی فیلیکس آدلر تأثیر گذاشت و هر گونه تعصب اخلاقی و نژادی در نزد وی مردود است. تربیت بدون تکریم اخلاق، سیاحتی در بیهودگی خواهد بود. و سرانجام این که کار فروبل بر شرایط سخت آموزشی در بسیاری از کشورها از جمله ایران تأثیرات مثبتی گذاشت. آموزش توأم با تنبیه مکتب خانه ای به آموزش همراه با تفریح کودکانی انجامید که مقاطع بالاتر تحصیلی را نیز تحت تأثیر خود قرار داد. وی معتقد بود که همه چیز از خداست، به وسیله او خلق گردیده، و تنها به وسیله خدا هدایت می گردد، بنابراین مبنای همه چیز ما خدا بوده، و هر چیز نشانه ای از وجود اوست و ذات هر چیزی ملهم از اوست. او دانش و تجربه را یک کل واحد می دانست و عقیده داشت که آموزش و پرورش باید انسان را به شناخت خود، سازش با طبیعت و یگانگی خداوند هدایت نماید. پس وحدت زیر بنای رابطه انسان، طبیعت و خدا اساس عقاید و نظریات آموزشی فروبل را تشکیل می داد. فروبل بر اساس اندیشه وحدت همه موجودات، مفهوم جدیدی از دوران کودکی را شکل می دهند. او می گوید: کودکی صرفاً دوره آمادگی برای بزرگسالی نیست، بلکه ارزش و خلاقیت خاص خود را داراست. بنابراین دوره کودکی باید همان حقوق، احترام و ارزش دوره بزرگسالی را نزد مربی و پرورش کار داشته باشد که در این جا با روسو هم عقیده است. ارتباط درونی همه آموزش ها، بدین معنی که مربی باید موقعیت ها و شرایطی را برای کودک فراهم آورد تا او را در ارتباط طبیعی تجربیاتش یاری دهد. در چنین صورتی است که کودک به وحدت وجودی و وحدت طبیعی و ذاتی در همه امور زندگی پی خواهد برد. پس چنین بر می آید که فروبل ضمن احترام به فردیت هر کودک، سعی در به وجود آوردن برنامه درسی سازمان یافته و منظمی در سیستم آموزشی خود دارد تا پیشرفت گام به گام کودک را از طریق موضوعاتی که برای آموزش وی لازم هستند، میسر سازد (مجله علمی و آموزشی هومپا، ۱۳۹۸).

جدول ۳. همجواری سازی تربیت اخلاقی از منظر روسو و فروبل

فروبل	روسو
- رابطه بین خالق و مخلوق فقط اعمال نیک است و باید هدف هر نوع آموزش و پرورش باشد.	- انطباق و هماهنگی کامل با طبیعت هدف غایی تربیت اخلاقی است.
- تربیت اخلاقی، راه سودمند زندگی است و هر گونه تعصب اخلاقی و نژادی را مردود می کند. تربیت بدون تکریم اخلاق، سیاحتی در بیهودگی خواهد بود. - مبنای همه چیز ما، خدا می داند. - وحدت زیر بنای رابطه انسان، طبیعت و خدا می داند که اساس عقاید و نظریات آموزشی وی است. دوره کودکی باید همان حقوق، احترام و ارزش دوره بزرگسالی را نزد مربی و پرورش کار داشته باشد.	اهداف واسطه ای تربیت اخلاقی ۱. محافظت از نفس: انسان باید در حفظ سلامت نفس خود کوشا باشد. ۲. اعتدال: بهترین عامل در حفظ فرد از خطرات روزگار می داند. ۳. تحقق آزادی: معتقد به آزاد بودن انسان از نظر اراده و نفس است ۴. نوع دوستی: انسان را از تنگ نظری و حصار خود محوری خارج می سازد.

شباهتها و تفاوتهای دیدگاه روسو و فروبل (تربیت اخلاقی)

وجه اشتراک اندیشه های تربیتی روسو و فروبل در این است که هر دوی این اندیشمندان بر این اصل توافق نظر دارند که تربیت باید پیرو طبیعت و مراحل و قانون های آن باشد. انسان باید به حقیقت خود آگاهی یابد و جنبه خدایی خویش را آشکار کرده و در زندگانی به کار آورد. از این رو، تربیت همانا پرداختن به انسان است چون موجودی که تحول او، همان یافتن خود و آگاهی از خود است.

وجه افتراق اندیشه های تربیتی روسو و فروبل در این است که روسو در مورد اجتماع دیدی منفی دارد و از دستاوردهای اجتماعی به بدی یاد می کند و معتقد است که بایستی کودک را دور از جامعه تربیت کرد تا فاسد نشود. اما فروبل نسبت به اجتماع دید مثبتی دارد و از اجتماع و نتایج بوجود آمده آن به نیکی یاد می کند و حتی رستگاری جهان را در یگانه بودن انسانیت و تمدن می داند.

روسو نخستین گام های تربیت را تربیت منفی می داند که تا سن ۱۲ سالگی آن را مورد تاکید قرار می دهد. روسو که خود از پیشگامان انتقاد از جامعه فاسد معاصرش بود، به این نتیجه رسیده بود که پلیدی های جامعه مانعی خواهد بود در برابر جریان رشد طبیعی کودک، از این رو می بایست به هر طریق ممکن حصارهای اطراف کودک کشید تا او را از دسترس طوفان بلایا و حوادث مخرب در جریان رشد به دور نگه داشت. تربیت منفی از دیدگاه روسو، مخصوص دوران کودکی است، این دوره از پر اهمیت ترین دوره های رشد است و هر کژی و بدی که در روح کودک وارد شود در آن جای می گیرد و به سختی می توان کودک را به راه سعادت هدایت کرد. پس در این راه قبل از اینکه هر گونه فضیلتی و اخلاقی را به او یاد دهیم فقط کافی است که آموزش ندهیم و کودک را از خطاها حفظ کنیم، این همان تربیت منفی است که روسو به دنبال آن است.

فروبل معتقد است که در ذات هر موجودی غایتی نهفته است که با او آفریده شده ولی این مقصود به خودی خود واقعیت نمی یابد. این کار بسته به کوشش و تربیت است و کار تربیت به مثل گشودن طومار پیچیده و عیان کردن آن معنای درونی و به کار آوردن توانایی های درونی است. از این روست که فروبل بیش از هر چیز به نقش تربیتی فعالیت و خودکاری و بازی توجه می کند (سراوانی، ۱۳۸۳).

جدول ۴. مقایسه دیدگاه روسو و فروبل در زمینه تربیت اخلاقی

فروبل	روسو
شباهتها	
<p>- طبیعت کودک را نیک و پاک و گرایش به خیر می دانند.</p> <p>- پروراندن و شکوفاندن هماهنگی توانایی های نهفته در سرشت آدمی .</p> <p>- تأکید بر فعالیت مستقل و آزادانه کودک.</p> <p>- محبت به کودک، زمینه رشد سالم جسمی، روحی و روانی فراهم می آورد.</p>	
تفاوتها	
<p>- نسبت به اجتماع دید مثبتی دارد و رستگاری جهان را در یگانه بودن انسانیت و تمدن می داند.</p> <p>- ذات هر موجودی غایتی نهفته است و برای همین به نقش تربیتی فعالیت و خودکاری و بازی توجه می کند.</p>	<p>-- در مورد اجتماع و دستاورد های آن دیدی منفی دارد.</p> <p>- یکی از گام های تربیت، تربیت منفی است که تا سن ۱۲ سالگی آن را مورد تأکید قرار می دهد.</p>

نتیجه گیری

تربیت اخلاقی در عصر حاضر از بنیادی‌ترین موضوع بشریست که همواره مورد توجه اندیشمندان و صاحب‌نظران مختلف در اقصا نقاط جهان بوده است. روسو کار تربیت اخلاقی را پروراندن استعدادهایی می‌داند که در سرشت انسان است. تربیت اخلاقی به هیچ‌رو باز داشتن فعالیت‌های طبیعی کودک نیست، بلکه فعالیت‌های کودک را آزاد گذاشتن و حتی اگر لازم باشد برانگیختن فعالیت‌های کودک است. تربیت اخلاقی را به یک معنی، نوعی تغییر طبیعت و در معنای دیگر، نوعی تبعیت در طبیعت در معنای وسیع‌تر و معنوی‌تر می‌داند. اما فروبل در زمینه تربیت اخلاقی به خانواده و ارتباط با دیگران (اجتماع) تأکید داشت. او معتقد است که انسان باید در رابطه با خود و دیگران رشدی هماهنگ، آرام و بانشاط داشته باشد و این پیشرفت باید در تمام مراحل رشد و مقتضیات زندگی، در خانواده و در مدرسه، در زندگی محلی و عمومی، ادامه یابد. با توجه به مطالب ذکر شده در زمینه بررسی تطبیقی دیدگاه‌های روسو و فروبل در زمینه تربیت اخلاقی، پیشنهاد می‌شود که در دوره‌های آموزشی ضمن خدمت برای معلمان و مربیان جهت آشنایی با تربیت اخلاقی و بکار بستن آن در تعلیم و تربیت، برگزار گردد.

منابع

۱. امید، محمود، میرزامحمدی، محمدحسن و فراقی، قادر (۱۳۹۶). بررسی مقایسه ای اهداف تربیت اخلاقی از دیدگاه روسو و آیت الله جوادی آملی؛ تطبیق دیدگاه های طبیعت گرایی و وحیانی، اخلاق وحیانی، ۶ (۱ پیاپی ۱۳): ۱۳۳-۱۶۳.
۲. بهشتی، محمد (۱۳۸۸). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، ج ۲، انتشارات سمت، تهران.
۳. حسینی، سید جواد (۱۳۸۵). مباحث اخلاقی، مبلغان، شماره ۸۸: ۴۵-۳۱.
۴. حجتی، محمدباقر (۱۳۹۵) اسلام و تعلیم و تربیت. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵. راموز، محبوبه و شریف زادگان، حسین (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی مبانی تربیتی کودکان از دیدگاه روسو و کانت، فلسفه تحلیلی، شماره ۳۵: ۹۴-۷۵.
۶. روسو، ژان ژاک (۱۳۸۸). امیل یا آموزش و پرورش، ترجمه غلام حسین زیرک زاده، تهران، شرکت سهامی چهر. شکوهی، غلامحسین (۱۳۹۴). مبانی و اصول آموزش و پرورش، تهران: انتشارات رشد.
۷. سعادت، محمدعلی (۱۳۹۴). اخلاق اسلامی. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
۸. سرورانی، رضا (۱۳۸۳). تحول اندیشه تربیت منفی و نقش آن در نظریه ژان ژاک روسو، کانت و فروبل، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی گروه بنیادهای آموزش و پرورش، دانشگاه تربیت معلم تهران.
۹. شاتو، ژان (۱۳۹۵). مریمان بزرگ، ترجمه غلامحسین شکوهی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. شاورده، موریس (۱۳۹۴). استادان بزرگ تعلیم و تربیت، ترجمه احمد قاسمی، فرانکلین، تهران.
۱۱. عرسان کیلانی، ماجد (۱۳۹۶). سیر آرای تربیتی در تمدن اسلامی، ترجمه بهروز رفیعی، سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران، تهران.
۱۲. کاردان، علی محمد (۱۳۹۱). سیر آراء تربیتی در غرب. تهران: انتشارات سمت.
۱۳. کاظمی، محمود و بهرامی، بهرام (۱۳۹۱). بررسی مفهوم شناختی تربیت اخلاقی، سومین همایش ملی سهروردی با موضوع اخلاق کاربردی: ۸-۱.
۱۴. کشاورز، سوسن، احمدی، علی، مهرمحمدی، محمود و قائدی، یحیی (۱۳۹۵). تحلیل تطبیقی بنیادهای معرفت شناختی اقدام پژوهشی از منظر فلسفه انتقادی و تفسیری، دوفصلنامه علمی-پژوهی تأملات فلسفی دانشگاه زنجان، ۶ (۱۶): ۴۶-۱۲۱.
۱۵. لئون، آنتوان (۱۳۹۵). وضع کنونی، آموزش و پرورش. ترجمه علی محمد کاردان. ناشر: وزارت آموزش و پرورش تعلیم و تربیت.
۱۶. مایر، فریدریک (۱۳۹۴). تاریخ اندیشه های تربیتی. ترجمه علی اصغر فیاض. تهران: انتشارات سمت.
۱۷. مجله علمی و آموزشی هومپا (۱۳۹۸). فردریک ویلهلم فروبل، تربیت اخلاقی کودک: ۷-۱.
۱۸. مطهری، مرتضی (۱۳۹۶) انسان کامل، قم: انتشارات صدرا.
۱۹. نقیب زاده، میرعبدالحسین (۱۳۸۹). نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش. تهران: انتشارات طهوری.
۲۰. نودری، محمود (۱۳۷۵). رابطه اخلاق و تربیت. فصلنامه حوزه و دانشگاه. شماره ۵. قم.